



محمد آزاد، رئیس اتحادیه آهن فروشان تهران در گفت و گو با بورس کالا مطرح کرد:

بازار آهن

چشم انتظار حمایت دولت

محبوبه فکوری

یکی از مشهودترین آثار بحران مالی دنیا بر گروههای کالایی ایران را شاید بتوان بروز برخی تغییرات ناشی از این بحران در بازار فولاد دانست، اگر چه به نظر می رسد این بحران با اندکی مثبت نگری و برنامه ریزی به یک فرصت برای ایران تبدیل شود چرا که با راه اندازی طرحهای مهم فولادی در کشور می تواند جایگاه خود را در عرصه های جهانی ارتقاء بخشد. بر همین اساس در این رابطه گفتگویی با محمد آزاد، رئیس اتحادیه آهن فروشان تهران انجام شده که در ذیل می خوانید:

نیز وجود داشت، این امر رونقی در کار خرید و فروش آهن و فولاد ایجاد کرد و در حال حاضر مشاهده می شود که بازار چند صباحی است که رو به حرکت به سمت نرخهای صعودی رفته است.

● با چنین شرایطی سرمایه گذاری ها در موضوع کارخانجات فولادی به نظر شما جواب می دهد؟ چرا که پیش بینی می شود که بحران مالی کشورهای دنیا که شکل گرفته بعد از مدتی اتمام یابد و بازار رو به کالاهای اولیه و زیربنایی آورد؟

هم اکنون دولت و وزارت صنایع و معادن ۸ طرح بزرگ تولید فولادی که واحد ذوب فولاد داشته باشند را در برنامه احداث دارد که اطلاعات واصله حاکی از آن است که از این ۸ طرح، ۶ طرح به مقدار مطلوبی پیشرفت داشته اند، به نحوی که پیشرفت این پروژه ها بین ۲۰ تا ۳۰ درصد بوده است، البته قرار دادهای دو طرح دیگر نیز به امضاء رسیده و تصور می رود با طرحهایی که از سوی بخش خصوصی دنبال می شود و مجوزهای آن جداگانه صادر شده ظرف دو سال آتی، ظرفیت بالای ۱۰ میلیون تن ذوب فولاد در داخل کشور ایجاد می شود و مشکل بزرگ کشور که ذوب فلزات است، برطرف شود. این در حالی است که تنها کارخانه ذوب آهن اصفهان در کشور می توانست به ذوب فلزات بپردازد، البته مجتمع فولاد مبارکه و فولاد خوزستان نیز به طریقی برای تهیه مواد اولیه خودشان می توانستند از ذوب استفاده کنند با تفاوتی

و تولیدکنندگان کوچک در سال جاری متضرر شده اند، به همین دلیل در حال متوقف کردن کار خود هستند یا حداقل شیفت کاری خود را کم می کنند.

این دو شرایط باعث این شد که عده ای به این فکریفتند چرا که با گذشت یک یا دو ماه از زمستان و در ماههای بهمن و اسفندماه که فصل کارهای عمرانی آغاز می شود و حتی برنامه های عمرانی دولت و ساخت و سازهای دولتی و طرحهای عمرانی نیمه تمام نیز شروع می شود، قطعاً تقاضا برای خرید آهن و فولاد افزایش می یابد، به همین دلیل عده زیادی به این فکر افتاده اند که باید به فکر آن زمان بود چرا که آن موقع است که برای تامین آهن مورد نیاز کشور دچار وقفه می شویم، به دلیل آنکه واردات صورت نمی گیرد، تولیدکنندگان کوچک متوقف می شوند و تنها موجودی بازار به موجودی انبارها و تولیدات کارخانجات بزرگ دولتی منحصر می شود، لذا عده ای برای خرید به سمت بورس آمده اند و این سازمان اقتصادی نیز هر کالایی را که تا هفته قبل اعلام می کرد به قیمت پایین و کسی نمی خرید و حتی قیمتهای پیشنهادی نیز کمتر از قیمت روی تابلو بورس پیشنهاد می شد، اما هم اکنون موضوع برعکس شده و متقاضی بیش از عرضه کالا در بورس وجود دارد، به این معنا که عرضه و تقاضا در گذشته بیش از تقاضا بود ولی الان تقاضا بیش از عرضه شده، لذا قیمتهایی که روی تابلو اعلام شد فروخته می شده و بعد حتی متقاضی بیشتری

● به عنوان اولین سال، شما وضعیت فولاد دنیا و به تبع آن بازار فولاد ایران را در شرایط فعلی چگونه تحلیل می کنید؟

بازار فولاد در ایران و همه جای دنیا فعلاً در حال رکود به سر می برد و قیمتها نیز در هیچ کجای دنیا افزایش خاصی و چشمگیری نداشته است، در ایران نیز علاوه بر اینکه طی هفته های گذشته قیمت فولاد افت شدید یافته و به کف رسیده بود، هم اکنون چند روزی است که رونق در بازار فولاد مشاهده می شود که به نظر می رسد دلیل آن نیز دو موضوع بسیار مهم باشد. اولین عامل این است که واردکنندگان در شرایط فعلی از واردات آهن و فولاد به طور کلی صرف نظر کرده اند، چرا که تجارت این کالا با تلاطم های قیمتی و افتان و خیزان بودن آن مقرون به صرفه و سود نیست، به نحوی که بسیاری از افراد از واردات قبل از بحران آهن و فولاد به کشور متضرر شده اند لذا اقدام به واردات نمی کنند.

در بخش تولید نیز به جز تولیدکنندگان بزرگ دولتی، تولیدکنندگان بخش خصوصی به دلیل ضرر و زیانهای وارده تقریباً کار خود را متوقف کرده اند، چرا که شمش آهن و مواد اولیه را با گرانترین قیمت تهیه کرده بودند و هم اکنون که بازار دچار نوسانات شدید شده و قیمتهای مواد تولیدی که با صرف انرژی و نیروی انسانی ارزش افزوده زیادی یافته و بر روی آنها هزینه شده است، پایین تر از قیمتهای خرید به فروش می رسد، لذا بیشترین قشر از بخش خصوصی

و هم ذغال سنگ داده است و هم نیروی کار ارزان و انرژی ارزان داده است. ما یکی از کشورهای صاحب انرژی داریم. چین باید انرژی را وارد کند و سنگ آهن را باید وارد کند ولی تادلتن خواهد کارگر فراوان است اما خداوند علاوه بر اینکه نیروی کار داده معادن ذخایر معدنی و انرژی در اختیار ما گذاشته که اگر بتوانیم استفاده بهینه از این نعمت خدادادی کنیم نیاز به واردات کمتر پیدا خواهیم کرد. ذخایر سنگ آهنی که در داخل کشور ما است از نوع مرغوب ترین سنگ آهن است و بیش از نیاز داخلی خودمان است. متاسفانه سال گذشته مقدار زیادی سنگ آهن ما را به خارج صادر کردند و در مقابل شمش آهن را وارد کردند و تابستان امسال با یکی از دوستان صحبت کردند که سنگ آهن را فروختیم ۱۱۰ دلار ولی شمش آهن را آورده ایم ۱۱۰۰ دلار. این مابه التفاوت و ارزش افزوده را کی می برد کشوری که می تواند ذوب کند ما باید در داخل بتوانیم ذوب فولاد را داشته باشیم که دولت نهم گامهای خوبی در این زمینه برداشته و وزارت صنایع و معادن مجوزها را صادر کرده و برنامه ریزی کرده و داریم به برنامه ای که برای رسیدن به خودکفایی در زمینه آهن و فولاد است می رسیم.

● **بورسهای کالایی چقدر می توانند در چنین مقطعی به تنظیم بازار کمک کنند؟**
 بورسهای کالایی در کشور ما اولاً یک مسأله هنوز جوان است یعنی آن طور که باید و شاید در بین مردم بورس کالا جای خود را باز نکرده ضمن اینکه معاملاتی که در بورس انجام می شود بیشتر الگوبرداری از بورس های دنیا شده در صورتیکه خصوصیات ملت ما و مسائل شرعی و قانونی ملت ما طور دیگری است. همه کس به این نوع معاملات معتقد نیست در بورس معاملاتی که انجام می شود گاهی مردم

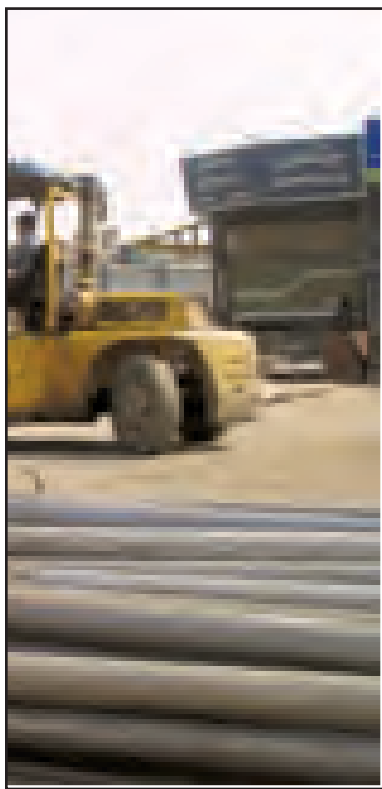
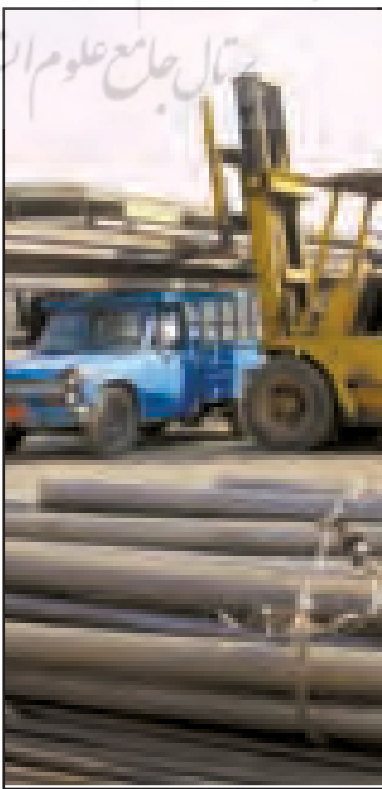
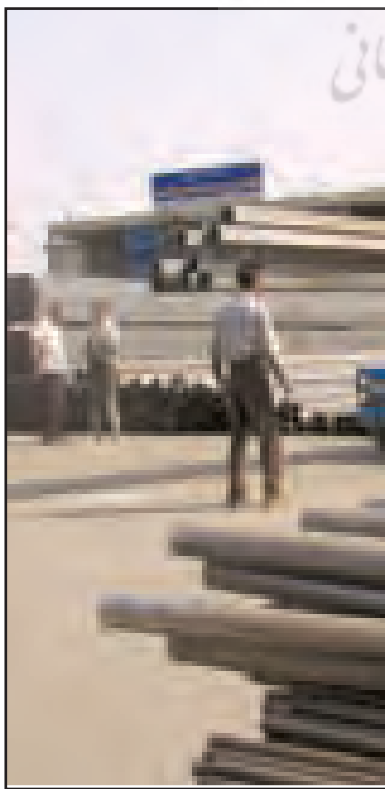
و در داخل تبدیل کنیم هزینه خاص خود را دارد و اگر بتوانیم و مقاطع ساخته شده آهن و فولاد را وارد کنیم هزینه دیگری را باید بدهیم که سنگین تر است هم تولید داخل ضربه می خورد و هم رشد بیکاری را داریم. در دو سال آتی نیروی جوان آماده به کار کشور ما بیش از سالهای قبل خواهد بود و باید به فکر اشتغال آنها باشیم. یکی از بخشهای عمده کشور ما فولاد است که در این بخش اگر تولید داخلی ما نتواند حرف خود را بزند و جلوی واردات را بگیرد می توانیم مطمئن باشیم که میزان زیادی ایجاد اشتغال کرده ایم و در داخل ارزش افزوده کالا را نصیب خود مردم شده و هم کارگران ایرانی اینجا کار کرده اند.

دولت چین که بزرگترین تولیدکننده فولاد و آهن دنیا است چیزی حدود ۴۸۵ میلیون تن تولید سالانه این کشور است الان برای فروش شمش آهن، آهن ساخته شده را از شمش ارزانتر می دهد یعنی شمش آهن باید برود در دستگاه نورد و تبدیل به آهن ساخته شده شود، اگر بخواهیم شمش بخریم که پیشنهاد می کنند که مقاطع ساخته شده ما ارزانتر از شمش است. علت آن است که واقعا شمش آهن را که رویش کار می کنند و مزد می دهند و کارگر کار می کند آیا باز هم قیمت از مواد اولیه کمتر است؟ نه این طور نیست این یارانه ای است که دولت می دهد چرا که می خواهد افرادی بیکار نباشند ایجاد اشتغال کنند لذا شمش آهن را وقتی می خواهد بفروشد می گوید آهن ساخته شده را ارزانتر می دهم که خریداران خارجی بیایند و آهن ساخته شده بخرند تا کارگرهای او در داخل کار کنند. ضمن اینکه با اینکه بزرگترین تولیدکننده آهن و فولاد در دنیا است بزرگترین مصرف کننده دنیا نیز خود چین است لذا ما باید این آموزش را داشته باشیم که تا جایی که می توانیم در داخل کشور اشتغالی کنیم، خدا به ما هم سنگ آهن

اینکه کلیه تولیدکنندگان داخلی ما که در بخش خصوصی هستند بیشتر شمش آهن را مصرف دارند و شمش آهن نیز تنها در فولاد خوزستان و مجتمع ذوب آهن اصفهان است که آنها نیز به اندازه نیاز خودشان است و اضافه ندارند که به بخش خصوصی بدهند و بخش خصوصی تا به حال اقدام به واردات می کرده اما الان اگر طرحها ایجاد شود این مشکل حل می شود مثل طرحی که امسال در بندرعباس اجرا شد. دومیلیون تن تولید سالانه دارد و شمش آهن دارد تولید می کند و به کارخانجات دیگر نیز می فروشد. اینها می تواند ظرفیت ذوب فولاد ما را تا دو سال آتی تا ۱۰ میلیون تن بالا برد. ظرفیت فعلی که الان در کشور داریم در حدود ۱۰ تا ۱۱ میلیون تن است پس طی دو سال آتی ما به میزان نیاز کشور خودمان در داخل تولید داریم به طوریکه نیاز به واردات نداشته باشیم. البته مقرر شده که تا پایان برنامه چهارم ظرفیت تولید ما تا ۲۹ میلیون تن برسد ولی ممکن است با تاخیری و با زمانی که برنامه ۵ شروع شد بتوانیم این ظرفیت را تا ۲۹ و ۳۰ میلیون تن برسانیم که آن موقع جز کشورهای صادرکننده منطقه نیز خواهیم بود.

● **دولت چه حمایتهایی را می تواند با توجه به مشکلاتی را که روی بازار فولاد بوجود آمده انتظار از دولت چی هست؟**

به نظر من دولت باید تمام کمکهایی را که می تواند کند به تولیدکنندگان داشته باشد چرا که واردات برای ما نمی تواند افتخار آفرین باشد. اگر صادرات کردیم افتخار داریم درست است که الان نیز واردات داریم ولی به دلیل نیاز است یعنی وقتی ما نتوانیم در داخل به اندازه نیاز تولید کنیم به ناچار برای اینکه مسائل سازندگی کشور متوقف نشود ناچار به واردات هستیم و این واردات بسیار گران برای ما تمام می شود. اگر قرار باشد که مواد اولیه وارد کنیم



معنا که بورس کالا با مجموعه امکانات خود می تواند تحقیق کند که میزان نیاز کشور به یک کالا در سال چقدر است، بر این اساس می توان برای تولید کالا برنامه ریزی کرد و به کارخانجات تولیدی نیز برنامه داد که اگر میزان معینی از کالا را تولید کنند می توان آنرا در بورس به فروش رساند، از طرف مقابل اگر دیده شود که تولیدکننده نمی تواند جوابگوی تقاضای محصول باشد، بورس کالا می تواند برای واردات آن اقدام کند یا اگر اضافه بر نیاز کشور تولید شده برای صادرات آن گام بردارد. این مجموعه اقداماتی است که بورس کالا می تواند انجام دهد و البته به نظر میرسد که این نهاد مالی به دنبال پیاده سازی این برنامه ها نیز باشد.

● دولت چه نقشی می تواند به عنوان نهاد حمایت کننده در این رابطه داشته باشد؟

دولت در این میان کاری که می تواند انجام دهد این است که تولیدکنندگان را حمایت کرده و تا زمانی که در برخی از محصولات به خودکفایی کامل نرسیده ایم و کارخانجات نیاز به مواد اولیه دارند به آنها کمک کند یا حتی اگر لازم شد یارانه ای اختصاص دهد تا بتوانند رقابت کنند. همانطور که بخش دولتی در هر شرایطی با اختصاص یارانه می تواند به تولید بپردازد. به عنوان مثال وقتی کارخانه ذوب آهن تولید می کند بسیاری از کارخانه های بخش خصوصی متوقف می شوند چراکه ذوب آهن علاوه بر اینکه واحدی دولتی و بزرگ است و سرمایه دولتی دارد، سنگ آهن را نیز ارزانتر در اختیار می گیرد، از سوی دیگر کارگر فراوان، نیروی انرژوی و تولید ارزانتری دارد پس می تواند روی پای خود بایستد. دولت می تواند در حمایت از تولید داخل نقش مهمی داشته باشد، همچنین تعرفه های گمرکی همیشه در همه جای دنیا ابزار حکومتی دولت است، یعنی دولتها یک ابزار حکومتی دارند که حاکمیت خود را نشان دهند، به این معنا که مواقعی که نباید کالایی وارد کشور شود تعرفه را بالا می برند و ترمزی برای واردات می شوند و زمانی که تولیدکنندگان داخلی متضرر می شوند تعرفه ها را بالا می برند و قیمت متعادل می شود.

این ابزار کار دست دولت است و دست کسی دیگر نیست. بخشهای خصوصی و کسانی که وارد ام صادرات و واردات و خرید و فروش کالا می شوند خیلی از مواقع نمی دانند که شاید دو ماه دیگر چه اتفاقی می افتد، اما دولتها به دلیل روابط سیاسی و اقتصادی که با همه دنیا دارند خیلی زودتر از بخشهای اقتصادی خصوصی می توانند بفهمند که چه زمانی چه تحولی در بازار کالاهای می تواند اتفاق افتد بنابراین پیش بینی می کنند وقتی که پیش بینی کردند می توانند بخش اقتصادی را حمایت کنند. با این تدابیر اقتصاد ما که این قدر شکننده است کمتر ضربه می خورد.

اگر کالا دارد که می خواهد بفروشد اول باید بدهی خود را به دیگران بدهد یا اینکه کالاها را آورده تحویل فوری با ۲۰۰ تومان کمتر می فروشد حداقل باید کسی که یکی دو ماه پیش پول داده است باید ۲۰۰ تومان را کم کند.

● در واقع ضمانتی باشد برای خریدار؟

بله اما این اتفاق الان نمی افتد، متأسفانه و اینجاست که احساس می کنیم که بورس ضعف خاص خود را دارد که نمی تواند طرفین را متقاعد کند که حداقل رعایت ضوابط اخلاقی را بکنند این مشکلات است که اعتمادها از بین می برد.

را به چالش می اندازد فرض کنید که معامله ای را انجام می دهند و کالایی را از یک کارخانه داخلی پیش فروش می کنند. این معامله به صورت سلف انجام می شود. طرف می آید پول می دهد و کالا را می خرد که در زمان معین تحویل دهد. اگر در زمان معین قیمت این کالا افزایش یافته باشد وقتی با تاخیر هم مواجه می شود خریدار تحمل می کند می گوید قیمت بالاتر رفته ولی اگر قیمت کاهش یافته باشد نباید تاخیر کند یعنی اگر کارخانه تولیدکننده روز موعود تحویل ندهد خریدار اینجا فریادش در می آید. چه طور



ما معاملاتی را در بورس انجام می دهیم که برخی مواقع وجه شرعی آن زیر سوال می رود. البته همه آقایان مسائل بورس را رفته اند از مراجع تقلید و مجتهدان سوال کرده اند ولی باز هم اتفاقات می افتد. مثلاً کالایی که به صورت سلف فروخته شده است دوباره در بورس می آید و به فروش می رسد از نظر شرعی مجاز نیست یعنی یکبار که با شرایطی سلف فروخته شد تا زمانی که کالایش روز نشده نمی تواند فروخته شود. این تذکرات نیز داده شده است خاصیت بورس در کشور ما با بورس لندن این تفاوتها را دارد. تفاوت این که ما جنبه های شرعی و سنتی را می خواهیم حفظ کنیم ولی آنها نمی خواهند.

● بنابراین الگوی ما که الگوی کشورهای اروپایی نمی تواند این روش را پیاده سازی کند؟

بله اما الگوی ما هم اکنون الگوی اروپایی است که آنها معتقد به اصول شرعی ما در معاملاتمان نیستند و معتقد به مادیات صرف در بورس هستند، اما رعایت اصول اخلاقی را می کنند، در شرایطی که ما اصول اخلاقی را رعایت نمی کنیم و به نوعی از این الگو سوء برداشت کرده ایم. در این راستا مشکلی با بورس وجود ندارد و این نهاد قانونی می تواند تا حدودی تجارت، کسب و کار و داد و ستد را در کشور سامان دهد. همچنین بورس کالا می تواند تنظیم کننده میزان تولید کالا نیز باشد، به این

زمانیکه اعلام می کنید آماده است تحویل نگیرم من را جریمه می کنید پول انبارداری می گیرید و موقعی که به من کالا را نمی دهید و بازار نیز دارد تنزل می کند چرا ضرر من را نمی دهید. ما داشته ایم در همین چندماه اخیر معاملات این چنینی در بورس انجام شده است.

● یعنی ساز و کار آن انجام نشده است؟

سازو کار فراهم نبوده است. بورس باید بیاید همانطور که حق فروشنده را از خریدار می گیرد حق خریدار را نیز از فروشنده بگیرد. بارها به مسئولان بورس گفته ایم؛ کاری کنید که قیمتهایی که فروخته می شود ضمانت اجرایی داشته باشد ضمانت اجرایی این نیست که حتما ما بگوییم این قیمت درست است و با بازار می خواند ولی حداقل ضمانت این را داشته باشد که بازار متضرر نشود و خریدار نیز متضرر نشود. بارها تذکر داده ایم آنها نیز سعی خود را کرده اند ولی موفق نشده اند بعد ما می بینیم که اختلاف قیمتهایی که روی تابلو می آید و عرضه می شود آنقدر زیاد است که عده ای آنقدر متضرر می شوند که به ورشکستگی می رسند. در دو ماه اخیر فولاد مبارک در تیرماه ورقی را فروخته بود ۹۵۰ تومان که باید تا پایان تیرماه تحویل می دادند کالا را پایان تیرماه تحویل ندادند ولی همان موقع با ۲۰۰ تومان ارزانتر یعنی ۷۵۰ تومان جنس را می فروختند و به روز تحویل می دادند. اصلاً کجای دنیا این منطق وجود دارد